رقابتِ سکوها

آرش حسن‌پور
پژوهشگر مطالعات تصویری

برخی جامعه‌شناسان جامعه را عرصه تضاد می‌دانند. به باور آنان ماهیت جامعه مبتنی بر کشمکش بنیان نهاده شده است. تمدن در معنای امروزی آن تلاش کرد تا به این میل به تخریب و تضاد، جامه کنترل‌شده و به‌دور از خشونت عریان بپوشاند. بنابراین اشکال اجتماعی مانند ورزش و شکار شکل گرفت تا نماینده میل بشری و درعین‌حال تضاد و ناآشتی‌جویی بشری باشد. فوتبال نمود همین تلاش بشری برای جایگزین کردن یک فرم متمدنانه نبرد با فرم خشن و خون‌آلود آن بود. در حقیقت فوتبال می‌خواست خشونت را کانالیزه و متمدن سازد. به باور نوربرت الیاس، در عصر جدید، بشر دائماً خود را کنترل می‌کند و تحت انضباط قرار می‌دهد. از همین‌رو ورزش والایشِ «جنگ داخلی» است؛ و فوتبال عبارت است از استمرارِ صلح‌آمیز و قانون‌مدارِ منازعاتِ خشونت‌آمیزِ رایج در ادوارِ کمتر متمدنِ گذشته.

عکسی که پیش روست لبریز از خشونت، میل به ویرانگری و تهاجم است. عکس توسط ابوالفضل امان‌الله در ورزشگاه فولاد آره‌نای اهواز ثبت‌شده است. تاریخ: ۱۲ خردادماه مسابقه فینال جام حذفی بین تیم‌های پرسپولیس تهران و داماش گیلان. همان بازی نادر که در فرم برگزاری و تدارکات و مدیریت نمونه یک شاهکار ورزشی بود. سوءمدیریت، اختلافات زمینه‌ای و قومیتی و ورزشی باعث چنین فرمی از خشونت و بی‌نظمی شد که در عکس فقط گوشه‌ای از آن را شاهد هستیم. عکس زیر نورهای مصنوعی ثبت‌شده است. شب است. نورها و روشنایی از چراغ‌های بزرگ و نورافکن‌های ورزشگاه هستند که مجهز بودن آن ارتباطی به متمدنانه رفتار کردن تماشاگران و حضار عکس ندارد. حضار در عکس عمدتاً تماشاگرند که حال بپا خاسته‌اند تا بستیزند. در حقیقت آنان گویی نماینده خودِ بازیکنان میدان شده‌اند و بازی اصلی را آنها علیه هم راه انداخته‌اند. از این منظر آنکه باید تماشا بشود فوتبالیست‌ها و میدان بازی نیست بلکه تماشاگران و سکوهاست که دیدنی شده‌اند و عکاس به شکار این لحظه تاریخی و به‌غایت خشن پرداخته است. حضار در عکس همگی مردانی جوان هستند. پوشش افراد پوششی راحت و مختص فضاهای ورزشی (پیراهن نصفه آستین و شلوار جین) است. لباس‌ها شیک و برند و خاص نیست و آرایش سر و موی افراد هم عادی و معمولی است. حضار در عکس به‌واسطه فرم‌های ساختاری و اجرا تفکیک‌شده‌اند. کسی پشت شیشه‌هاست و جایش امن است و گویی مسئولیتی دارد و از گزند این آسیب‌ها و هدف خشونت بودن بر امان مانده است. در لایه بعدی جوانی با پوشش امروزی و شیک را می‌بینیم که به خارج قاب نگاه می‌کند و هدف نگاهش مشخص و روشن نیست و اعتنایی به خشونت سکوهای پایین هم ندارد. گویی موضوع بی‌اهمیت است و از نظر مغفول. در لایه بعد ضدقهرمان عکس را می‌بینیم کسی که یکه و تنهاست و دور و برش کسی نیست و در حال پرت کردن یا پرتاب کردن صندلی‌ایست که شکسته شده و اکنون شبیه سپر و سلاح در نبردی زشت به‌کار می‌رود. روی سطح صندلی پر از رد و لایه‌های دست و ضربه است. گویی نزاعی سنگین پیش از آن جریان داشته است. ضدقهرمان در مرکز و وسط عکس با کادر عمودی قرار داده‌شده تا ارزش اطلاعاتی‌اش بالاتر برود. عکس در نمای متوسط گرفته‌شده تا بیننده به احوالات غضب‌آلود حضار بیشتر پی ببرد هرچند عکاس نمی‌توانسته خود لابه‌لای این جمعیت باشد اما گویی ما نیز وسط همین منازعه‌ایم. در لایه بعد شاهد هفت یا هشت نفر مرد جوان دیگریم که یک سطح پایین‌تر گویی دست‌اندرکار جنگی دیگر یا دفاع از خود هستند. از چهره ضدقهرمان لایه بالای کادر عکس شاید بتوان حدس زد که او طرفداری متعصب و یک فرد بومی است. لباس یکی از طرفداران لایه پایین نیز قرمز است که می‌تواند نماینده تیم پرسپولیس و حامی این باشگاه باشد. پس نزاع بین دو تیمی است که در فینال جام حذفی رودرروی یکدیگر قرارگرفته‌اند اما نزاع بین تیم‌های باشگاهی نیست بلکه بین هواداران آنهاست. هواداری در اینجا عینِ تعصب کور است و رفتارهای هیجانی و به دور از تعقل. نفرت و ستیز در عکس موج می‌زند. اینجا بازی‌ای خونین در پیش است که هرکدام از دو طرف تلاش دارند رقابت را به نفع خود تمام کنند یا لااقل بد نبازند. آنچه در قاب عکس بیش از هر امری جالب‌توجه و درخور تحلیل است عنصر «دَست» است. دست‌های ضدقهرمان که آکنده از نیروی آسیب زدن و تخریب است و دستان افراد لایه پایین عکس که مراقب‌اند یا دارند از خود دفاع می‌کنند یا تلاش دارند مانع از شلیک نهایی ضدقهرمان عصبانی بشوند. گویی آنها دروازه‌بان این بازی‌اند و ضدقهرمان فوتبالیست خشنی که تمام توانش را در عضلات صورت و فک و دهانش گذاشته تا نیت و هدف خود را به کرسی بنشاند و بازنده نباشد. حالت استقرار افراد پایدار نیست. همگی بلند شده‌اند. نمی‌توانستند بنشینند چون شاید پای جان و آسیب سخت جسمی در میان بوده است. این وضعیت ناپایدار با پویایی خود مسابقه فوتبال نیز قرابت دارد. گویی بازی، سراسر تحرک است و سکونی در آن نیست. برخی افراد در حالت بدنی بی‌قرار و معلق هستند گویی در حال افتادن بوده و تعادلشان در حال به هم‌خوردن است. القصه وضعیت وخیم است و نگاه دو نفر از حضار به بیرون قاب (سمت چپ) نشان می‌دهد مرافعه اصلی آن‌سوست همان جهتی که شی و سلاح ضدقهرمان قرار است به همان سمت پرتاب و شلیک شود. در اینجا هدف نگاه درون قاب نیست و همین موضوع به پیچیدگی و جذابیت عکس افزوده است گویی داستان ادامه دارد و این خشونت‌ها و سوءمدیریت‌ها تمام نمی‌شود بلکه از میدانی به میدان دیگر و صورتی به فرم دیگر منتقل و تبدیل می‌شود. ضدقهرمان عکس که می‌توانست هرکدام از حضار دیگر هم باشد پیراهن چاک است. او به سیم آخر زده است و از همین جهت پوشش او نامرتب شده یا محتملا در درگیری پاره شده است. متأسفیم اما باید گفت خشونت عکس را دیدنی کرده است و تماشاگر خود «تماشا» شده است. آشوب مضمون محوری این قاب و میدان است. در عکس بازی بیش از حد جدی گرفته شده و فوتبال از آن سیمای متمدنانه‌اش جداً خارج شده است. کریچلی (۱۳۹۷) به درستی می‌گفت «فوتبال می‌تواند چیز وحشتناکی باشد» مخصوصاً وقتی نماینده شکاف‌های اجتماعی باشد. چه صحیح که در سیاست‌گذاری اجتماعی موضوع فوتبال و امر اجتماعی و فرهنگی را بیشتر مطمح نظر قرار دهیم.

کریچلی، سایمون (۱۳۹۷) وقتی به فوتبال می‌اندیشیم به چه می‌اندیشیم؟ سایت ترجمان، .http://tarjomaan ۸۹۴۷/com/interview